

غریب پور، بہروز، ۱۳۲۹ -

بینوایان بر اساس رمان بینوایان ویکتور ہوگو / بہروز غریب پور - تہران:
نشر قطر، ۱۳۸۴.

۲۰۸ ص: مصور. - (سلسلہ انتشارات نشر قطرہ) ۶۳۵. هنر و ادبیات جہان
(۱۱۰)

فہرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان دیگر: بینوایان.

۱. نمایشنامہ فارسی - غزن ۱۴. الف. ہوگو، ویکتور ماری، ۱۸۰۲ - ۱۸۸۵ م،

Hugo, Victor Marie - بینوایان. ب. عنوان. ج. عنوان: بینوایان.

ب ۹۵ / ۸۱۵۲ PIR

کتابخانہ ملی ایران

۳۷۱۰۶ - ۸۴ م

شابک: ۵-۵۱۵-۳۴۱-۹۶۴ ISBN: 964-341-515-5

بینوایان

بر اساس رمان بینوایان ویکتور هوگو

بهروز غریب پور



نشر قطره

بینوایان

بهر روز غریب پور

طرح روی جلد: (برگرفته از پوستر نمایش) آیدین آغداشلو

چاپ اول: ۱۳۸۵

لیتوگرافی: گلشید

چاپ: مارنگ

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

بها: ۱۸۰۰ تومان

حق چاپ برای نشر قطره محفوظ است.

آدرس: خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۹ - دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

تلفن: ۸۸۹۵۶۵۳۷ و ۸۸۹۵۲۸۳۵ و ۸۸۹۷۳۳۵۱-۳

صندوق پستی ۳۸۳-۱۳۱۴۵

Printed in The Islamic Republic of Iran

بهر روز غریب‌پور در سنندج و به سال ۱۳۲۹ زاده شد. فعالیت
تئاتری او در زادگاهش و از سال ۱۳۴۴ آغاز شد و با کارگردانی و
طراحی صحنه و بازیگری در نمایش آرش کمانگیر (سیاوش
کسرای)، مورد توجه قرار گرفت و به زودی به عنوان سرپرست و
کارگردان گروه تئاتر شهاب کردستان حرکت جدیدی را آغاز کرد
که زاویه (غلامحسین ساعدی) اوج آن محسوب می‌شود. او
دانش آموخته‌ی رشته‌ی هنرهای نمایشی - دانشکده‌ی هنرهای
زیبای دانشگاه تهران - و رشته‌ی کارگردانی - آکادمی هنرهای
دراماتیک رم - است و در تمام زمینه‌های صحنه‌ای - تئاتر و تئاتر
عروسکی - تلویزیون و سینما فعالیت داشته و دارد، از نوشته‌های
او می‌توان به سفر سبز در سبز (۱۳۵۳) جنگ کور، کور او غلوی چنلی
بتل، کچل کفترباز (۱۳۵۸) فیلمنامه‌ی دونه (۱۳۶۲) شش جوجه
کلاغ و یک روباه (۱۳۶۸) نمایش بینوایان (۱۳۷۴) تنبل قهرمان
(۱۳۷۹)، ایکادو (۱۳۸۴) اشاره کرد. بهروز غریب‌پور به عنوان
مدیر پروژه‌های فرهنگی، تبدیل کشتارگاه تهران به فرهنگسرای
بهمن، کارخانه‌ی متروکه‌ی شمس (به مرکز اطلاعات تاریخی
شهر تهران، و تبدیل پادگان فیشر آباد به خانه‌ی هنرمندان ایران را
در کارنامه‌ی خود دارد. او به عنوان عضو هیئت مدیره‌ی تشکیلات
بسمین‌المللی یسونیما (UNIMA) (Union Internationale
des Marionnettes) فعالیت بین‌المللی تئاتری خود را از سال ۲۰۰۰
میلادی آغاز و تا به امروز ادامه داده است.

مقدمه

... اجرای «بینوایان» از برخورد های غیر منصفانه که بگذریم، نقدها و گفته های بسیار دلگرم کننده ای به همراه داشت: مسعود بهنود، من را با عبدالحسین نوشین مقایسه کرده و نوشته بود که غریب پور همچون نوشین تئاتر را با مردم آشتی داد، هوشنگ کاووسی آن را به عنوان حادثه ای بزرگ در تاریخ تئاتر ایران ارزیابی کرده بود، نصرت کریمی، در حالی که خوشحالی خود را از عدم شرکت در جلسه ای که با هدف: محکوم کردن اجرای نمایش بینوایان تشکیل شده بود، ابراز می کرد با مهر و محبتی پدرانه من را در آغوش گرفت و ابراز لطف فراوان کرد که تکرار آن حتماً بر میزان مخالفان من خواهد افزود و به همین دلیل آن را تکرار نمی کنم. گرمسیری «بینوایان» را حادثه ای عظیم در تاریخ تئاتر ایران نامید. استاد عزت الله انتظامی و بزرگانی دیگر تشویق کردند و برای نخستین بار، رسانه های بین المللی بخشی از وقت خود را به انعکاس اجرای نمایش «بینوایان» اختصاص دادند که در کشتارگاه سابق تهران - فرهنگسرای بهمن کنونی - و در جنوبی ترین نقطه ی شهر تهران به روی صحنه رفته بود و تماشاگران از شمال و غرب و شرق تهران و از شهرهای مختلف کشور به خود جذب کرده و تئاتر را از پله ی «تماشاگران معدود و محدود» رهانده بود... و هنوز و پس از سالیانی که از این اتفاق

می‌گذرد، کسانی به من مراجعه می‌کنند و با شادمانی از دیدن چندین و چند باره «بینوایان» صحبت می‌کنند. از دکتر مهاجرانی فرزانه بگیرید تا تماشاگری که بیست و یک بار «بینوایان» را دیده است. شماری از کسانی که موفقیت این نمایش را بر نمی‌تافتند بر این اعتقاد بودند که تبلیغات وسیع سبب جذب تماشاگر شده است غافل از این که تبلیغات متفاوت این نمایش می‌توانست تأثیرات منفی به دنبال داشته باشد مثلاً پس از دیدن بخش اول سالن را ترک کنند یا همان یک بار دیدن نمایش را هم زیادی بدانند و... اما به نظر من دلایل دیگری برای این موفقیت وجود داشت که در این فرصت و به دلیل چاپ و نشر نمایشنامه برخی از آنها را بر خواهم شمرد:

— رمان «بینوایان» از اواخر دوره قاجاریه و با ترجمه‌ای از اعتصام‌الملک در ایران مورد توجه طبقات مختلف اجتماعی قرار گرفته و کافی است بدانیم که ترجمه‌ی حسینقلی مستعان از ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۶۴ سیزده بار تجدید چاپ شده و در میان خوانندگان آثار ادبی از مقبولیت کم‌نظیری برخوردار بوده و هست. افزون بر این تعداد زیادی از آثار سینمایی و سریال‌های تلویزیون ساخته شده بر اساس «بینوایان» در ایران به نمایش گذاشته شده و مورد استقبال فراوان قرار گرفته بود. پس تعداد بسیار زیادی از تماشاگران را اقشاری تشکیل می‌دادند که کنجکاوانه در صدد آن بودند که برداشت ایرانی این اثر را ببینند، در حالی که سایر آثار صحنه‌ای فاقد چنین پیشینه و چنین علاقه‌مندانی هستند و معمولاً در صورت موفقیت آنها معدودی از تماشاگران متغیر تئاتر را به خود جذب می‌کنند. اما این امتیاز تا هنگامی مؤثر است که تماشاگر را به محدوده و دایره‌ی ارائه‌ی اثر بکشانید و پس از آن اگر نمایش اجرا شده فاقد گیرایی و کشش ویژه باشد این امتیاز از کف رفته و حتی علیه اثر صحنه‌ای خواهد بود. تجربه نشان داد که تماشاگر با سربلندی «بینوایان» ایرانی را با آثار سینمایی و تلویزیونی و در مواردی با اجراهای نیویورک و لندن مقایسه می‌کرد و ما، دست‌اندرکاران «بینوایان»، از خرد و کلان،

ندیدیم یا نشنیدیم که کسی اجرای «بینوایان» را به سخره بگیرد. مگر همان کسانی که نمایش ندیده را به باد انتقاد گرفته بودند و آنها نیز غالباً از هزینه‌ی سرسام‌آور اجرا!!! می‌نالیدند حسن‌ها و امتیازات آن را به حساب هزینه‌های کلان می‌گذاشتند. امیدوارم روزی معلوم شود که خشم و ناله و عریضه‌ی مخالفان اجرای «بینوایان» نه به این دلیل واهی بلکه به دلیل موفقیت آن بود.

— در نمایش «بینوایان» بیش از ۶۰ بازیگر قریب ۳۶۰ نقش را بازی می‌کردند. در هر اجرا یک گروه از گریمورهای زبده زیر نظر استاد محترم بازیگران را برای صحنه‌های گوناگون گریم می‌کردند. دستیاران ورزیده‌ی گروه: سهراب سلیمی، محمود عطار و هوشنگ قوائلو می‌بایست ناظر و راهنمای بازیگران می‌بودند تا لباس و ابزار صحنه‌ای خود را گرفته و وارد صحنه بشوند. کمترین زمان ممکن برای آماده‌سازی برخی از بازیگران یک دقیقه بود. خیاط‌خانه‌ی تئاتر هر لحظه آماده بود تا مشکل لباس بازیگران را رفع کند و نیروهای فنی برای صحنه‌های جنگ به این جمع افزوده می‌شدند تا ابهت صحنه فرو نریزد و... پس نمایشنامه و نمایش به ویرینی از استعدادها و قابلیت‌های گوناگون در زمینه‌ی طراحی صحنه، لباس، نور، گریم، خیاطی، ساخت ابزار مختلف جامعه‌ی تئاتری کشورمان مبدل شده و تماشاگر خود را با اثری مواجه می‌دید که از یک سو بازیگران قدر اما به فراموشی سپرده شده‌ای چون مرحوم مهدی فتحی، بهزاد فراهانی، نانیا جوهری، رؤیا تیموریان، اختر کریمی‌زند (دیانا)، شمس فضل‌الهی و باقر صحرارودی یا جوانان مستعد و تازه شکوفا شده‌ای چون پارسا پیروفر، مهشاد مخبری و... در آن حضور داشتند این توان کاملاً حرفه‌ای آنها را خیره می‌ساخت...

— طراحی صحنه و لباس که توسط دوست هنرمندم استاد خورشیدی انجام گرفته بود چنان تماشاگر را به فضای نمایش نزدیک می‌کرد که به قول دکتر هوشنگ کاووسی، تماشاگر خود را نه در تهران و در جنوب شهر تهران بلکه در پاریس احساس می‌کرد.

دو بزرگوار هنرمند مرتضی ممیز - که یادش گرامی باد - و آیدین آغداشلو پوسترهایی برای نمایش طراحی کردند که سرانجام اثر استاد آغداشلو با رضایت خاطر استاد ممیز انتخاب شد، از این عزیزان نیز صمیمانه سپاسگزار بوده و هستم.

- موسیقی نمایش حاصل تلاش بی نظیر هوشنگ کامکار، استاد خلاق موسیقی کشورمان بود و برای تمامی لحظه‌ها و صحنه‌ها، از میان ده‌ها اثر کلاسیک، موسیقی مناسب و متناسب یافته بود.

- دستیار کم نظیرم ستاره کدیری دوشادوش من در جریان تمرین و اجرا بر امور مختلف نظارت داشت و هشیاری و حضور ذهن او تضمینی برای کاهش اشتباهات هر شب به شمار می‌آمد.

خیاط‌خانه‌ی ما زیر نظر خیاط شاعر محمد موسوی و خانم تهرانی و همکارانشان بود آنان نیز شبانروز یاریم کردند. کم مزد و بی منت.

اما چرا به اینها اشاره می‌کنم؟ زیرا مایلیم بگویم: «بینوایان» یا هر اثر بزرگ دیگری جز به مدد نیروهای عاشق، دلسوز و توانمند توان عرض اندام، جذب تماشاگر و قدرت جلب رضایت آنان را نخواهد داشت و این نمایش به دلیل بهره‌گیری از چنین نیروهایی نیروی بالقوه‌ی تئاتر کشور را به نمایش گذاشت و ثابت کرد که در صورت اعمال مدیریت صحیح، تئاتر کشور از بن بست خارج و از پله‌ی معدود تماشاگران بیرون خواهد آمد. اما به من ثابت شد که در میان خانواده‌ی تئاتر کسانی وجود دارند که توسعه‌ی کمی و کیفی تئاتر را بر نمی‌تابند تا مبادا محافل کوچک و مطامع حقیرشان را از کف بدهند. خواننده‌ی منصف من می‌پرسد که آیا بدون پشتیبانی مالی و مادی چنین اتفاقی خواهد افتاد؟ من بلافاصله خواهم گفت نه. زیرا اگر حمایت شهردار وقت تهران، غلامحسین کرباسچی و مدیر عامل وقت فرهنگسرای بهمن، مرتضی کاظمی نبود هرگز چنین اتفاقی رخ نمی‌داد و حتی اگر این تشکر خشک و خالی من از ایشان به عقیده‌ی یکی از «بینوایان» تئاتر کشور و به نقل

از مجله‌ی دولتی «سروش»^{*} «خوش رقصی» برای آنان محسوب شود و وظیفه‌ی من این است که از این دو بزرگوار تشکر کنم و باز از من می‌پرسند که اگر این نمایش مجوز اجرا نمی‌گرفت آیا رنج تو و همکاریات برباد نمی‌رفت؟ باز و بلافاصله خواهم گفت اگر شجاعت حسین پاکدل و همکاران او نبود «بینوایان» پس از ماه‌ها تمرین و هزاران ساعت کار و تلاش به دلیل کارشکنی‌های مستی به ظاهر روشنفکر اما عمیقاً تنگ‌نظر و کوردل در بایگانی خاطره‌های ما مدفون می‌شد و تحریکات این شبه روشنفکران که مایل نبودند این نمایش به روی صحنه برود مؤثر واقع می‌شد.

... اکنون نمایشنامه‌ی «بینوایان» پیش روی خوانندگانی است که نمایش را دیده یا ندیده‌اند، هر دو گروه محققند که این نوشته را سست، بی‌مایه یا قوی و اندیشمندانه یا ترکیبی از این دو بدانند این حق مسلم آنهاست اما خود را موظف می‌دانم تا نکته‌ای را به جماعت دلسوز تئاتر کشور گوشزد کنم: مادامی که تئاتر ما به تکرار بعضی از نام‌ها و لو بسیار ارزشمند چون سوفکل، اوریپید، شکسپیر، برشت و... بسنده می‌کند و خود را از سرچشمه‌ای زلال و بکر ادبیات ملی و بین‌المللی محروم می‌سازد، بر شمار تماشاگران و بر قابلیت‌های صحنه‌ای ایران افزوده نخواهد شد. مادامی که با اتخاذ روش‌های تجربه‌شده‌ی ملی و بین‌المللی به کشف موضوع‌ها و داستان‌های جذاب و عمیق و مؤثر همت نکنیم و به معدود آثار ده‌ها بار بر صحنه اکتفا کنیم، در تئاتر بر همان پاشنه خواهد چرخید و در مصاف با تلویزیون و سینما روز به روز ضعیف‌تر و کم‌جان و کم‌توان‌تر خواهد شد... نمایشنامه‌ی «بینوایان» و پیآمد آن اجرای این نمایش گامی در آن راستاست که هنر بی‌بدیل تئاتر در جزیره‌ی معدود تماشاگران روشنفکر یا شبه روشنفکر باقی نماند و دست

* مجله‌ی «سروش»، شماره‌ی ۱۰۴۶، شنبه سوم شهریور ماه ۱۳۸۰، سال بیست و سوم.

آخر برای آن‌که از تمام تلاشگران همراهم یادی کرده باشم با تعظیمی از سر جان و عشق و سپاسگزاری و وفاداری نامشان را به یاد می‌آورم، تا اگر افتخاری بوده و هست تنها سهم من و کسانی نباشد که از آنها با ذکر تأثیرشان یاد کرده‌ام: شمس فضل الهی، باقر صحرارودی، پارسا پیروزفر، مهشاد مخبری، وحید شیخ‌زاده، مهرگان فتحی، پروانه طاهری، ریحانه طاهری، ابراهیم ابراهیمی، محمد اسدی، محمدرضا اسماعیلی، ابراهیم امیرخانی، نسرین امیلی، امیر بنایی، رضا بهبودی، اشرف پناهی، عبدالحمید پناهی، شبهم پهلوان، شفاعه پهلوان، سیاوش چراغی‌پور، صمد چینی‌فروشان، محمدرضا حسین‌زاده، الهام خادمی، مینا خلقی، شراره رخام، فاطمه رمضان، حبیب روحپور، نصرت‌الله زمانپور، جواد زیتونی، فریبا سجادی حسینی، مهرنوش سلوکی، رضا شفیع‌زاده، محمد شیخ‌زاده، محمدعلی طاهر افشار، مرتضی طاهری، بهراد طایفه، علیرضا غفاری، تورج فرامرزیان، سیامک فرامرزیان، آناهیتا فولادوند، زهره قدرتی، فریدون قدیمی، هوشنگ قوائلو، ناهید مسلمی، فردین مهرآیین، عزیزالله هنرآموز، محمد یگانه، مرتضی یوسف‌دوست، مسعود یوسفی، مهری مهرنیا و... افزون بر اینها سارا رحمانیان یکی از دو دستیارم و مدیران تولید مهوش شیخ‌الاسلامی و جمشید گرگین که تا نیمه‌ی راه با من بودند و بسیار کسان دیگر که در بخش‌های فنی، نور و صدا و دوخت و دوز و ساخت همراهم بودند که یادشان همواره نزد من گرامی و ارجمند است.

کارگردان و نویسنده‌ی نمایشنامه‌ی «بینوایان»

بهروز غریب‌پور